



جایگاه ایران در شاخص توسعه انسانی

نگاهی اجمالی به گزارش UNDP در سال ۲۰۰۹ و استراتژی‌های راهبردی توسعه در ایران

علی دانائی *

مقدمه

«مردم، ثروت واقعی هر کشور می‌باشند»، این جمله در ابتدای گزارش توسعه انسانی سازمان ملل آمده است. این گزارش که از سال ۱۹۹۰ به بعد هر ساله منتشر می‌شود، اکنون به مرجع تمام مطالعاتی تبدیل شده که قصد دارد میزان و جایگاه هر کشور در جهان را از نظر توسعه یافتگی نشان دهد. در ابتدای گزارش پس از ذکر این نکته که مردم ثروت واقعی هر کشور می‌باشند؛ آمده است: در حقیقت، هدف اساسی از توسعه، گسترش آزادی‌های انسانی است. در این گزارش هدف بعدی توسعه، افزایش توانمندی‌های افراد برای انتخاب ابزار زندگی معرفی شده است. یکی از شاخص‌های معتبر بین‌المللی برای سنجش وضعیت اجتماعی کشورها «شاخص توسعه انسانی (HDI)»^۱ است.

جمهوری اسلامی ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، نسبت به پی‌ریزی‌های گویایی اجتماعی از توسعه اقتصادی و تحقق اصلاحاتی همه‌جانبه در سیاست‌های اجرایی و مدیریتی در تمام عرصه‌های اجتماعی کشور، همت گمارد. این اصلاحات اجتماعی، متأثر از اندیشه غنی انقلاب و اهداف انسان‌دوستانه و مردم‌گرایانه آن، توجه به محرومان و مستضعفان را در دستور کار خود قرار داد و ارتقاء شرایط زیست اجتماعی شهروندان خود را هدف‌گذاری نمود.

بیش از دو دهه است که الگوهای توسعه در جمهوری اسلامی ایران پسوند اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به الگوی سنتی توسعه اقتصادی، ملحق ساخته و سعی در پی‌ریزی توسعه‌ای همه‌جانبه داشته است. علی‌الخصوص که مبانی نظری بنیادین انقلاب اسلامی و شعارهای اصلی آن، ناظر بر توسعه اجتماعی و انسانی، مبارزه با نابرابری‌های اجتماعی و بسط و گسترش عدالت اجتماعی بوده است. این تعهد حاکمیتی و مطالبه اجتماعی، به‌طور خودکار و به‌خودی خود راهبردها و برنامه‌هایی معطوف به اقشار «فرو دست اجتماعی و مستضعفین» را در صحنه اجرایی و اولویت‌بندی‌های توسعه‌ای سازمان داده است که به نوبه خود از کارآمدی‌هایی هم‌برخوردار بوده و به بهبود چشمگیر شرایط اجتماعی کشور منجر شده است.

توسعه انسانی در گذر زمان

از دیدگاه تاریخی، درآمد به‌عنوان میزان توسعه قلمداد می‌شده است که چنانچه این نظریه را ردیابی کنیم؛ به نظریه پیگودر سال ۱۹۲۰ خواهیم رسید. اما آناند و راولیون در سال ۱۹۹۳ به رویکرد مبتنی بر دارایی مادی توسعه، انتقاد کردند. متدولوژی برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) با رویگردانی از رهیافت مبتنی بر دارایی مادی گام مهمی برداشت و درآمد سرانه را به‌عنوان مقیاسی ناکافی برای ارزیابی اثرات علیتی آن بر کیفیت زندگی و شانس‌های بقای افراد با تأکید بر جنسیت آنان عنوان نمود (سن، ۱۹۹۰). اولین برنامه توسعه انسانی UNDP در سال ۱۹۹۰، توسعه را بیش از گسترش درآمد و ثروت قلمداد کرده و توسعه انسانی را به‌عنوان فرایند افزایش گزینه‌های مردم نامید (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۰). توسعه انسانی به‌عنوان فرایند افزایش گزینه‌های مردم و افزایش سطح رفاه زندگی تعریف شده است. (برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ۲۰۰۳).

کار و جامعه

ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی، فرهنگی

1-United Nations Development Programme
2-Human Development Index

* کارشناس روابط عمومی اداره کل کار و امور اجتماعی استان سمنان

روش محاسبه شاخص دانش: دانش در شاخص توسعه انسانی با فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$D = \frac{1}{3} \left(\frac{R_{max}}{R_{min}} \right) + \frac{2}{3} \left(\frac{S_{max}}{S_{min}} \right)$$

که در آن R_{max} بالاترین میزان با سواد بزرگسالان در کشورهای مورد بررسی، R_{min} پایین‌ترین میزان با سواد بزرگسالان در کشورهای مورد بررسی و R_e میزان با سواد در کشور مورد نظر است. به همین ترتیب S_{max} ، S_{min} و S_e نشان دهنده میانگین سال‌های تحصیل هستند. **روش محاسبه شاخص درآمد:** شاخص درآمد کمی پیچیده‌تر است و این طور فرض شده است که هر چه درآمد سرانه افزایش یابد، نقش درآمد در توسعه انسانی کمتر می‌شود.

$$Y = \frac{Y_{max} - Y_{min}}{Y_{max} - Y_{min}}$$

در این شاخص Y_{max} بالاترین سرانه تولید ناخالص تعدیل شده بر حسب قدرت خرید در کشورهای مورد بررسی، Y_{min} پایین‌ترین سرانه تولید ناخالص تعدیل شده بر حسب قدرت خرید در کشورهای مورد بررسی و Y_e سرانه تولید ناخالص تعدیل شده بر حسب قدرت خرید در کشور مورد نظر است. سه شاخص گفته شده که اجزای HDI هستند با یکدیگر جمع و بر ۳ تقسیم می‌شوند (گریفین و مک کنلی، ۱۳۷۵).

$$HDI = \frac{D \cdot Y}{3}$$

از زمان ارائه شاخص توسعه انسانی از سال ۱۹۹۰، این شاخص به عنوان مقیاس بسیار مهمی جهت برآورد توسعه منطقه‌ای و ملی و نیز مؤلفه مهمی برای رفاه چند جانبه به کار برده می‌شود. چاپ سالانه گزارش توسعه انسانی و رتبه بندی کشورها بر اساس این شاخص، واقعه‌ای است که رسانه‌ها برای زمان انتشار آن، مشتاقانه روز شماری می‌کنند.

همچنین ۱۳۵ کشور جهان با همین متدولوژی شاخص توسعه انسانی، گزارش‌های ملی خود را تولید می‌کنند. آنچه به جذابیت HDI افزوده است؛ نظر مشترک سیاست‌گذاران و اقتصاددانان است که این شاخص تنها یک شاخص ساده رشد درآمد نیست، زیرا درآمد سرانه تنها یک محصول میانی مهم توسعه است و همان گونه که آقای سین (۱۹۹۹) اشاره کرده، تأکید بر پیشرفت‌هایی چون گسترده‌های آموزش و سلامت است که با گزینه‌های زندگی اتصال دارند (سن، ۱۹۹۹). میانگین سه مؤلفه مهم شاخص توسعه انسانی، پس از نرمال‌سازی، دارای مقادیر بین صفر و یک خواهد بود که مقیاس بسیار مهمی برای ارزیابی آن در بستر زمان و مکان است (فاسترو همکاران، ۲۰۰۳).

گزارش UNDP رتبه بندی برخی از کشورها را بر اساس شاخص HDI در سال ۲۰۰۷ نشان می‌دهد. (جدول ۱) این گزارش در سپتامبر ۲۰۰۹ منتشر شده است.

توسعه انسانی به خودی خود یک هدف است و این هدف چیزی جز پرورش استعدادهای انسانی نیست. هدف اصلی توسعه بهره رساندن به انسان است؛ یعنی بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی مردم، هدف توسعه پرورش قابلیت‌های انسان و گسترش امکانات اوست. برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم و اخلاقی در محیط غنی و در جامعه مدنی دموکراتیک، هدف نهایی توسعه است. افزایش درآمد و گسترش اشتغال ضروری است اما این دو وسیله توسعه هستند نه هدف آن. رفاه جامعه به چگونگی استفاده از این درآمد بستگی دارد تا به میزان آن. به طور خلاصه می‌توان گفت انسان هدف توسعه و درعین حال محور آن است و این مفهوم، توسعه انسانی را در مرکز الگوهای توسعه قرار می‌دهد. (هاگ، ۱۹۹۵).

متغیرهای مهم توسعه انسانی

رفاه فرد یا جامعه از چند جزء تشکیل می‌شود و برای آن که معلوم شود چه اندازه پیشرفت و توسعه به دست آمده است لازم است چنین اجزایی اندازه‌گیری شوند. در تعریف توسعه انسانی به افزایش گزینه‌ها اشاره گردید. از نظر تئوری، این گزینه‌ها در هر زمان و مکان می‌تواند نامحدود و متنوع باشد. از بین این گزینه‌ها، یک زندگی طولانی و توأم با سلامت، کسب دانش و آموزش و دسترسی داشتن به منابع مورد نیاز برای سطح مناسب زندگی یعنی داشتن درآمد کافی برای خرید غذا، لباس و مسکن به عنوان سه متغیر مهم اجتماعی تعریف شده‌اند. بدون اینها بسیاری از گزینه‌ها به سادگی قابل دسترسی نیستند و فرصت‌های زیادی در زندگی غیرقابل دسترس باقی می‌مانند. (باری، ۲۰۰۱).

شاخص توسعه انسانی (HDI)

غناي زندگی انسان با شاخص توسعه انسانی ارزیابی می‌شود. شاخص توسعه انسانی نتیجه کوششی است به منظور رها کردن دیدگاه توسعه تولید مدار (که بر تولید ناخالص داخلی تأکید دارد) و جایگزین کردن دیدگاه دیگری که انسان مدار است. شاخص توسعه انسانی (HDI) یک اندیکس ترکیبی خالص است که متوسط موقعیت یک کشور را در سه جنبه اساسی توسعه انسانی یعنی طول عمر، دانش و استاندارد مناسب زندگی اندازه می‌گیرد. طول عمر با زندگی در بدو تولد اندازه‌گیری می‌شود، دانش با ترکیبی از نرخ باسوادی بزرگسالان و نسبت ثبت نام خالص (میانگین سال‌های تحصیل)؛ استاندارد زندگی با GDP سرانه و یا درآمد اندازه‌گیری می‌شود (برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ۲۰۰۳). وقتی که جنبه مقایسه بین المللی به میان می‌آید لازم است که هر جزء به شکل یک شاخص بیان شود.

روش محاسبه شاخص طول عمر: طول عمر در شاخص توسعه انسانی با فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$L = \frac{L_{max} - L_{min}}{L_{max} - L_{min}}$$

که در آن L_{max} یعنی بالاترین امید زندگی در کشورهای مورد بررسی، L_{min} یعنی پایین‌ترین امید زندگی در کشورهای مورد بررسی و L_e امید به زندگی در کشور مورد نظر می‌باشد.

جدول ۱: جزئیات شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۰۷

رتبه	نام کشورها	شاخص توسعه انسانی	امید به زندگی در بدو تولد	نرخ باسوادان بالای ۱۵ سال	سرانه تولید ناخالص داخلی	شاخص امید به زندگی	شاخص تحصیلات	شاخص تولید ناخالص داخلی
توسعه انسانی خیلی بالا								
۱	نروژ	۰/۹۷۱	۸۰/۵	۵۳/۴۳۳	۰/۹۲۵	۰/۹۸۹	۱/۰۰۰
۲	استرالیا	۰/۹۷۰	۸۱/۴	۳۴/۹۲۳	۰/۹۴۰	۰/۹۹۳	۰/۹۷۷
۳	ایسلند	۰/۹۶۹	۸۱/۷	۳۵/۷۴۲	۰/۹۴۶	۰/۹۸۰	۰/۹۸۱
۴	کانادا	۰/۹۶۶	۸۰/۶	۳۵/۸۱۲	۰/۹۲۷	۰/۹۹۱	۰/۹۸۲
۷	سوئد	۰/۹۶۳	۸۰/۸	۳۶/۷۱۲	۰/۹۳۰	۰/۹۷۴	۰/۹۸۶
۸	فرانسه	۰/۹۶۱	۸۱/۰	۳۳/۶۷۴	۰/۹۳۳	۰/۹۷۸	۰/۹۷۱
۱۰	ژاپن	۰/۹۶۰	۸۲/۷	۳۳/۶۳۲	۰/۹۶۱	۰/۹۴۹	۰/۹۷۱
۱۳	آمریکا	۰/۹۵۶	۷۹/۱	۴۵/۵۹۲	۰/۹۰۲	۰/۹۶۸	۱/۰۰۰
۱۸	ایتالیا	۰/۹۵۱	۸۱/۱	۹۸/۹	۳۰/۳۵۳	۰/۹۳۵	۰/۹۶۵	۰/۹۵۴
۲۲	آلمان	۰/۹۴۷	۷۹/۸	۳۴/۴۰۱	۰/۹۱۳	۰/۹۵۴	۰/۹۷۵
۳۱	کویت	۰/۹۱۶	۷۷/۵	۹۴/۵	۴۷/۸۱۲	۰/۸۷۵	۰/۸۷۲	۱/۰۰۰
توسعه انسانی بالا								
۳۹	بحرین	۰/۸۹۵	۷۵/۶	۸۸/۸	۲۹/۷۲۳	۰/۸۴۳	۰/۸۹۳	۰/۹۵۰
۴۹	آرژانتین	۰/۸۶۶	۷۵/۲	۹۷/۶	۱۳/۲۳۸	۰/۸۳۶	۰/۹۴۶	۰/۸۱۵
۵۹	عربستان	۰/۸۴۳	۷۲/۷	۸۵/۰	۲۲/۹۳۵	۰/۷۹۴	۰/۸۲۸	۰/۹۰۷
۷۱	روسیه	۰/۸۱۷	۶۶/۲	۹۹/۵	۱۴/۶۹۰	۰/۶۸۶	۰/۹۳۳	۰/۸۳۳
۷۹	ترکیه	۰/۸۰۶	۷۱/۷	۸۸/۷	۱۲/۹۵۵	۰/۷۷۹	۰/۸۲۸	۰/۸۱۲
۸۳	لبنان	۰/۸۰۳	۷۱/۹	۸۹/۶	۱۰/۱۰۹	۰/۷۸۱	۰/۸۵۷	۰/۷۷۰
توسعه انسانی متوسط								
۸۴	ارمنستان	۰/۷۹۸	۷۳/۶	۹۹/۵	۵/۶۹۳	۰/۸۱۰	۰/۹۰۹	۰/۶۷۵
۸۶	آذربایجان	۰/۷۸۷	۷۰/۰	۹۹/۵	۷/۸۵۱	۰/۷۵۱	۰/۸۸۱	۰/۷۲۸
۸۷	تایلند	۰/۷۸۳	۶۸/۷	۹۴/۱	۸/۱۳۵	۰/۷۲۸	۰/۸۸۸	۰/۷۳۴
۸۸	ایران	۰/۷۸۲	۷۱/۲	۸۲/۳	۱۰/۹۵۵	۰/۷۶۹	۰/۷۹۳	۰/۷۸۴
۹۲	چین	۰/۷۷۲	۷۲/۹	۹۳/۳	۵/۳۸۳	۰/۷۹۹	۰/۸۵۱	۰/۶۶۵
۱۲۳	مصر	۰/۷۰۳	۶۹/۹	۶۶/۴	۵/۳۴۹	۰/۷۴۹	۰/۶۹۷	۰/۶۶۴
۱۳۴	هند	۰/۶۱۲	۶۳/۴	۶۶/۰	۲/۷۵۳	۰/۶۳۹	۰/۶۴۳	۰/۵۵۳
۱۴۰	یمن	۰/۵۷۵	۶۲/۵	۵۸/۹	۲/۳۳۵	۰/۶۲۴	۰/۵۷۴	۰/۵۲۶
توسعه انسانی پایین								
۱۵۹	توگو	۰/۴۹۹	۶۲/۲	۵۳/۲	۷۸۸	۰/۶۲۰	۰/۵۳۴	۰/۳۴۵
۱۶۴	زامبیا	۰/۴۸۱	۴۴/۵	۷۰/۶	۱/۳۵۸	۰/۳۲۶	۰/۶۸۲	۰/۴۳۵
۱۶۶	سنگال	۰/۴۶۴	۵۵/۴	۴۱/۹	۱/۶۶۶	۰/۵۰۶	۰/۴۱۷	۰/۴۶۹
۱۶۸	گامبیا	۰/۴۵۶	۵۵/۷	۱/۲۲۵	۰/۵۱۱	۰/۴۳۹	۰/۴۱۸
۱۸۱	افغانستان	۰/۳۵۲	۴۳/۶	۲۸/۰	۱/۰۵۴	۰/۳۱۰	۰/۳۵۴	۰/۳۹۳
۱۸۲	نیجر	۰/۳۴۰	۵۰/۸	۲۸/۷	۶۲۷	۰/۴۳۱	۰/۲۸۲	۰/۳۰۷
میانگین توسعه انسانی بالا		۰/۸۳۳	۷۲/۴	۹۴/۱	۱۲/۵۶۹	۰/۷۹۰	۰/۹۰۲	۰/۸۰۷
میانگین توسعه انسانی متوسط		۰/۶۸۶	۶۶/۹	۸۰/۰	۳/۹۶۳	۰/۶۹۸	۰/۷۴۴	۰/۶۱۴
میانگین توسعه انسانی پایین		۰/۴۲۳	۵۱/۰	۴۷/۷	۸۶۲	۰/۴۳۴	۰/۴۷۷	۰/۳۵۹
جهان		۰/۷۵۳	۶۷/۵	۸۳/۹	۹/۹۷۲	۰/۷۰۸	۰/۷۸۴	۰/۷۶۸

بررسی جدول نشان می‌دهد برخلاف جداول قبل که کشورها را به ۳ دسته (بالا، متوسط و پائین) ارزیابی می‌کرد به ۴ بخش (بسیار بالا، بالا، متوسط و پائین) تقسیم نموده است. در صدر این جدول کشور نروژ با شاخص نرمالیزه شدن ۰/۹۷۱ قرار دارد. در گروه اول (با توسعه بسیار بالا) ۳۸ کشور قرار دارند. در صدر گروه دوم (کشورهای با توسعه بالا) بحرین با شاخص نرمالیزه شده ۰/۸۹۵ قرار دارد. در این گروه ۴۵ کشور قرار دارد. در صدر گروه سوم (کشورهای با توسعه متوسط) ارمنستان با شاخص نرمالیزه شده ۰/۷۹۸ قرار دارد. در این گروه ۷۵ کشور قرار دارد. در صدر گروه چهارم (کشورهای با توسعه پائین) توگو با شاخص نرمالیزه شده ۰/۴۹۹ قرار دارد. در این گروه ۲۴ کشور قرار دارد. در این رتبه بندی کشور نیجر با شاخص توسعه انسانی ۰/۳۴۰ در ردیف آخر قرار دارد. متوسط شاخص توسعه انسانی در دنیا ۰/۷۵۳ می‌باشد. متوسط امید به زندگی در دنیا ۶۷/۵ سال است. متوسط نرخ باسوادان بالای ۱۵ سال در دنیا ۸۳/۹ درصد است. متوسط درآمد سرانه در دنیا ۹۹۷۲ دلار برای هر نفر است.

جایگاه ایران در شاخص توسعه انسانی

ایران در گزارش سال ۲۰۰۹ با ۶ پله صعود نسبت به گزارش قبلی UNDP که در سال ۲۰۰۷ منتشر شد به رتبه ۱۸۸ ارتقاء یافته که هم اکنون با شاخص ۰/۷۸۲ در میان کشورهای گروه سوم (با توسعه متوسط) قرار دارد.

خوشبختانه ایران با شاخص آموزش ۰/۷۹۳ از میانگین جهانی که ۰/۷۸۴ می‌باشد بالاتر است. همچنین در شاخص امید به زندگی در بدو تولد با میانگین ۷۱/۲ سال از میانگین جهانی که ۶۷/۵ سال می‌باشد بالاتر است بوده و در شاخص تولید ناخالص داخلی نیز ۰/۷۸۴ می‌باشد که از میانگین جهانی که ۰/۷۶۸ می‌باشد بالاتر است.

آنچه حائز اهمیت است آن که برطبق قانون برنامه چهارم، شاخص توسعه انسانی ایران باید به رقم ۰/۸۲۰ می‌رسید که رقم آن در این گزارش ۰/۷۸۲ اعلام شده است که نشان می‌دهد دولت، علی‌رغم ارتقاء جایگاه ایران در جامعه جهانی برای دستیابی به اهداف برنامه چهارم در ۳ حوزه اصلی تولید ناخالص داخلی، سطح آموزش و بهداشت و سلامت می‌بایست برنامه‌ریزی بهتر و دقیق‌تری انجام دهد.

راهبردهای توسعه در ایران

منبع موثقی که برای بررسی راهبردهای توسعه در ایران می‌تواند به کار آید برنامه‌های توسعه در کشور است که عمده استراتژی‌ها و سیاست‌های عمده برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی را می‌توان بشرح زیر برشمرد:

۱- گسترش قلمرو بخش عمومی در امور اقتصادی در سال‌های اولیه بعد از پیروزی انقلاب و تلاش برای انتقال مالکیت بخش عمومی به بخش خصوصی از ابتدای اجرای برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران؛

۲- ادامه مقدم داشتن رشد اقتصادی به عنوان هدف غالب در برنامه‌های توسعه؛

۳- ادامه استراتژی جایگزینی واردات و پرداختن به استراتژی گسترش صادرات در کنار آن؛

۴- کاهش اتکا به درآمدهای ناشی از فروش نفت به عنوان اصلی‌ترین منبع تأمین مالی برنامه‌ها (که در متن قانون هر دو برنامه از کاهش وابستگی به نفت سخن به میان آمده است)؛

۵- توجه کردن به بخش کشاورزی (و تأکید بر محوریت آن در برنامه دوم)، توسعه روستایی و اجرای برنامه‌های محرومیت‌زدایی؛ از آنجا که امکان بررسی تمامی برنامه‌های دولت در این مقال نمی‌گنجد صرفاً برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) را مورد بررسی و امعان نظر قرار می‌دهیم.



برنامه توسعه پنج ساله چهارم بعد از انقلاب (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

برنامه چهارم توسعه جدا از برنامه‌های دیگر، مبتنی بر سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور تهیه شده است. با توجه به جهت‌گیری‌های سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور و سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه، مبنی بر داشتن رشد و توسعه اقتصادی مستمر، با ثبات و پرشتاب، تحقق رقابت‌پذیری کالاها و خدمات، دستیابی به اقتصادی متنوع و متکی بر منابع دانش و آگاهی، سرمایه انسانی و فناوری نوین، پشتیبانی از کارآفرینی، نوآوری و استعدادهای فنی و پژوهشی، گسترش صنایع تبدیلی و کوچک و هم‌افزایی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی مزیت‌دار بخش صنعت در این اسناد از جایگاه بالایی برخوردار است. در برنامه چهارم توسعه اهداف در سطوح بخشی و استانی تبیین و برای بخش صنعت و معدن اسناد ملی توسعه، تدوین شد.

با توجه به برنامه‌های توسعه و رویکرد آنها برای بخش صنعت می‌توان گفت که در اغلب این برنامه‌ها مسائل بخش صنعت و حضور بخش غیردولتی در اقتصاد مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه راهبردهای آزادسازی اقتصاد، خصوصی‌سازی، به وجود آوردن شرایط برای اقتصاد رقابتی، کاهش هزینه‌های تولید و دسترسی به نهاده‌ها، گسترش صادرات صنعتی و تأکید بر صنایع نوین و با فناوری بالا مورد تأکید همه برنامه‌ها بوده است. ولی با وجود همه این اقدامات، هنوز مقداری فاصله به منظور دستیابی به هدف وجود دارد.

ارزیابی نتایج عملکرد برنامه چهارم با توجه به ناتمام ماندن آن و فقدان آمار و اطلاعات، هنوز مقدور نیست. اما عملکرد سه ساله برخی از شاخص‌ها نشان می‌دهد (جدول ۲) در تمامی شاخص‌ها رشد وجود دارد. میانگین رشد سالانه بخش کشاورزی در سه سال اول برنامه چهارم، حدود ۶/۷ درصد بوده است که از متوسط رشد سالانه موردنظر برنامه که حدود ۶/۵ درصد است بالاتر می‌باشد. در مورد رشد ارزش افزوده بخش معدن نیز می‌توان گفت که در سه سال اول از اجرای برنامه چهارم توسعه، رشد این بخش ۱۳/۸ درصد بوده که از اهداف برنامه (۱۱/۲ درصد) برای این مدت بیشتر است.

جدول ۲: مقایسه عملکرد برخی از شاخص‌ها در برنامه چهارم توسعه

شرح	مصوب برنامه (درصد)	عملکرد سه سال اول برنامه چهارم توسعه (درصد)
تولید ناخالص داخلی	۸	۶/۳
کشاورزی	۶/۵	۶/۷
نفت و گاز	۳	۱/۵
صنایع و معادن	۱۱/۲	۸/۷
صنعت	۱۱/۲	۸/۳
معدن	۱۱/۲	۱۳/۸
خدمات	۹	۶/۳
سرمایه گذاری	۱۲/۲	۴/۸
دولتی	-	-
غیر دولتی	-	-
سرمایه گذاری در بخش صنعت و معدن	-	-

مآخذ: قانون برنامه چهارم توسعه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

البته عملکرد ۳ ساله اول برنامه چهارم نشان می‌دهد که دولت تاکنون در تحقق برنامه‌های مصوب در زمینه تولید ناخالص داخلی، نفت و گاز، صنایع و معادن، خدمات و سرمایه گذاری به اهداف خود دست نیافته است که امید است تا تکمیل ارزیابی نتایج عملکرد برنامه چهارم شاهد محقق شدن دیگر شاخص‌ها باشیم.

نتیجه گیری

۱- ایران در جایگاه جهانی جزء کشورهای با توسعه انسانی متوسط بوده و در شاخص های امید به زندگی در بدو تولد، آموزش و تولید ناخالص داخلی از میانگین جهانی بالاتر می باشد.

۲- با توجه به نتایج عملکرد سه ساله اول برنامه چهارم دولت در بخش های کشاورزی و معدن به اهداف مصوب دست یافته و برای دستیابی به اهداف مصوب در بخش های سرمایه گذاری، صنعت و خدمات باید تلاش مجدانه ای در آخرین سال برنامه چهارم صورت گیرد.

۳- ایران با شاخص توسعه انسانی ۰/۷۸۲ در رتبه ۸۸ جهان و در ردیف توسعه انسانی متوسط قرار گرفته است. این در حالی است که افزایش ۰/۰۱۸ در شاخص های توسعه انسانی می تواند ما را در ردیف کشورهای با توسعه بالا قرار دهد که با توجه به برنامه های توسعه صورت گرفته این مهم دور از دسترس نیست.

منابع

- * ۱- گریفین، کیت و مک کنلی، تری (۱۳۷۵) تحقق استراتژی انسانی، ترجمه: غلامرضا خواجه پور، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- * 1- Bari F (2001) economic growth to human development. CMER working paper Series NO. 01-28,2001 from WWW/umes. edu. PI/ cmer.
- * 2- Foster JE, Lopez-Calva LF, Szekely M. Measuring the distribution of human development: Methodology and an application to Mexico. UDLA, Working paper no. 2003-08,2003.
- * 3- Haq M. Reflections on human development, New York: Oxford University Press, 1995.
- * 4- Sen A. C(1990) Cooperation, inequality and the family. Population Develop Rev ; 15 (suppl) : 61-76.
- * 5- Sen Ak. Development as freedom. New York: Knopf, 1999.
- * 6- United Nation Development programme, (2003), What is the human development? Human Development Reports, retrieved 25 April, 2004, from Http:// hdr. Undp. org / hd/ default. Cfm.
- * 7- United Nations Programme, (2003), FAQ on the Human Development Indices? Human Development Reports, retrived 20 May, 2004 from http:// hdr. undp. org / hd / default. Cfm.
- * 8- United Nation Development programme, (1990) Report. Newyork: Oxford University press.
- * 9- United Nation Development programme, (2009) Report.